



#

کانادا؛ خوشامدگویی در روز رویایی



فرهیختگان | طول مدت مراسم یا نوع فعالیت‌های این جشن در دانشگاه‌های مختلف کشور کانادا متفاوت است. مثلاً در شهر «اوتاوا» دو دانشگاه «اوتاوا» و «کارلتون» وجود دارد که مراسم معارفه دانشجویی در آنها متفاوت است. در دانشگاه «اوتاوا» به این هفت روز، هفته ۱۰۱ گفته می‌شود. این در حالی است که در «کارلتون» این مراسم نام‌ها و انواع مختلفی دارد. دانشگاه «بریتیش کلمبیا»، تنها روز اول تقویم آموزشی را برای تمام دانشجویان تعطیل اعلام کرده و این روز را به مراسم معارفه دانشجویان ورودی اختصاص داده است. جالب است که به این مراسم، نام «روز خیالی» داده شده و در آن برنامه‌های شاد و پرنشاطی برای دانشجویان در نظر گرفته شده است.

گفت‌وگو با

شهرام اقبال زاده درباره دانشگاه پیش از انقلاب و تاثیر دانشگاه بر زندگی دانشجو

جادوی پنتل قرمز



روناک حسینی

ronak.hoseini@fdn.ir

چه اهمیتی دارد که به دانشگاه برویم؟ آیا مشکلاتی که در زمان درگیر شدن با نظام آموزشی‌ای که بسیاری آن را ناگوارآمد می‌دانند، وجود دارد ارزش تحمل کردن دارند و می‌توان دلبلی ارزشمند برای گذران سال‌های دانشجویی پیدا کرد؟ شاید هر بار در آستانه ترم جدید این سوال در ذهن دانشجویان بچرخد و باعث شود کمی به روزگاری که گذرانده‌اند و آینده‌ای که پیش‌رو دارند فکر کنند. اصلاً دانشگاه تجربه‌های دانشجویی‌اش در دانشگاه تهران قبل از سال ۵۷ می‌گوید. او که از کودکی کتاب‌های ممنوعه آن زمان را در پستوی خانه جست‌وجو می‌کرده و در دوران دانشجویی هم کتاب‌ها را تازه به تازه از کتابفروشی‌ها می‌گرفته و می‌خوانده و همه عمرش را دوخته به کتاب، این نسل را بچه‌های کتاب‌خوانی می‌داند؛ کسانی که با کتاب غریبه‌اند و دنبال خوشی‌های آنی، اقبال‌زاده پیش از انقلاب در دانشگاه تهران ادبیات انگلیسی خوانده است و مدتی دبیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان بوده و دبیر بخش ادبی نشر قطره است. اقبال‌زاده هنوز رد روان‌نویس پنتل قرمز استادش محمدعلی اسلامی‌نوش‌رو را به یاد دارد که گوشه تحقیق دانشجویی‌اش نوشته بود: «این دانشجو آینده درخشانی دارد.»

شما دانشگاه تهران قبل از سال ۵۷ را تجربه کرده‌اید. از فضای آن روزهای دانشگاه تهران بگویید.

پاتوق من اتاق پینگ پنگ بود به اضافه کتابخانه‌های دانشجویی. دانشکده ادبیات یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌ها را داشت و غیر از آن کتابخانه مرکزی هم بود. البته زیاد دنبال کتاب‌های درسی نبودیم. آن سالی که من وارد دانشگاه شدم، شفیع‌الدینی را به بهانه بورسیه تبعید کرده بودند انگلستان. ادبیات مشروطه را که محمدرضا شفیعی‌الدینی درس می‌داد با اسماعیل حاکمی گذراندم. ۲۰ واحد از سیلابس درسی‌مان را باید زبان دیگری انتخاب می‌کردیم. من ۲۰ واحد زبان فارسی گرفتم. با محمدعلی اسلامی‌نوش‌رو درس نقد ادبی و سخن‌سنجی داشتم.

دانشجوی زمان شما چه فرق‌هایی دارند با دانشجویهای امروز؟

نسل ما برخلاف اینکه الان فحش خورمان ملس است و نسل جدید به رادیکال بودن و بی‌سوادی و دیدگاه ایده‌آلیستی متهم‌مان می‌کند، خیلی هم اهل مطالعه بود. در عین حال آرمان‌گرا هم بود که به خودی خود چیز بدی نیست. این نسل کتاب نمی‌خواند و فردگرا شده است. یک جاهایی «عاقل» است؛ اما «آگاه» تر نیست. در واقع بچه‌های ما که دیدند ما که اهل آرمان‌گرایی بودیم و کتاب، عاقبت‌مان این شد، دچار سرخوردگی شدند. آرمان‌گرا یا دنبال اصلاحات بودن وابسته به گفتمان

سیاسی حاکم بر هر دوره است. زمان ما این را اقتضا می‌کرد و البته ما به بعضی از آرمان‌هایمان رسیدیم و به بعضی نه. تجربه نیمه ناکام ما باعث شد این نسل خیلی کام‌خواه باشد.

شما با این نسل مخالفید؟

البته این نسل کمبودهای مادی و معنوی زیادی دارد و نسل خوشبختی محسوب نمی‌شود. ولی خوشبختی را در دسترس می‌خواهد. در عین حال یک‌سری فعالیت‌های مدنی جنبی دارد و چون هر بار با شور و شوق وارد فعالیت شده، موانع برایش ایجاد شده، الان سرخورده‌است. به‌خصوص تجربه هشت سال دولت قبل باعث شده دیگر رغبتی به فعالیت دانشجویی نداشته‌باشد. الان خود دانشجویان می‌گویند که دیگر کسی میلی به فعالیت مدنی ندارد و حتی دیگر کسی در جمع‌های ادبی هم حاضر نمی‌شود. دوره‌های ما شده در حد استخر و سینما و کوهی شاید.

خودتان زیاد کتاب می‌خواندید؟

علاقه به کتابخوانی از کودکی با من مانده بود. برادر بزرگ‌تر من کیهان بچه‌ها و اطلاعات کودکان و کیهان ورزشی می‌خرید. من کیهان ورزشی را خیلی دوست داشتم. سستونی داشت به اسم «اگر از ما می‌پرسید» که فکر می‌کنم آقای گیلان‌پور پاسخ می‌داد یا آقای اصغر الهی. مضمون این ستون ورزشی-اجتماعی بود و ریشه‌های اجتماعی مسائل را بررسی می‌کرد. بچه که بودم، پدرم یک یخدان داشت که درش همیشه قفل بود. در خانه ما به غیر از پستو که آذوقه خانه داخلش بود، در یخدان بود که همیشه بسته بود. یک بار که در پستو

شهرام اقبال زاده آن سال‌ها، کرمانشاه و خیلی از شهرهای ایران دانشگاه نداشتند. پدر و مادر من به تحصیلات دانشگاهی بسیار اهمیت می‌دادند. ۹ ماه تحصیلی را تهران بودیم و تابستان‌ها می‌رفتم به باغ و دهان در کرمانشاه. سال ۴۵ امدیم تهران. شش خواهر و برادر بودیم و به همراه پدر و مادرمان امدیم که پدر اغلب به خاطر اینکه باغدار بود کمتر تهران می‌آمد. من آن موقع شش سال دبستان را تمام کرده بودم و برادرم کنکوری بود. وقتی وارد دانشگاه شدم با فضای تند سیاسی مواجه شدم. آن زمان در فضای دانشگاه بیشتر دوره‌های بین بچه‌های اتاق کوه بود، ولی من با آنها کوه نمی‌رفتم. البته کوه خصوصی‌تری داشتیم که با آنها کوه می‌رفتم یا سفرهای بین ترمی. جاهای مختلف ایران را می‌گشتیم. آن موقع ارزش پول زیاد بود. ۳۰۰ تومان کمک‌هزینه تحصیلی می‌گرفتم به اضافه ۲۵۰ تومان به خاطر شناسنامه شهرستانی‌ام. البته پدرم برای ما خانه گرفته بود و من فقط گاهی می‌رفتم کوی پیش‌دوستان. ۵۵۰ تومان کمک‌هزینه نه تنها نیاز ماهیانه من را تأمین می‌کرد؛ بلکه می‌توانستم هر کتابی که می‌خواهم بخرم. کتابخانه بزرگی داشتیم که بر از کتاب‌های شعر و داستان و جامعه‌شناسی و فلسفه بود.

بر سر راهمان داشتیم.

انقلابی خرد گرفته‌اند که فروید چنین است و چنان. دکتر ندوشن می‌گفت بروید بخوانید ببینید چه می‌گوید. به جای رد کردن با نگاه نقادانه به مسائل نگاه کنید. به جای رد کردن مارکس، بروید بخوانید ببینید چه می‌گوید. کتاب‌هایی مخفی بودند که اجازه چاپ نداشتند صبح‌ها که می‌آمدم اول به کتابفروشی‌ها سر می‌زدم. یک‌بار دانشجویان انقلابی کتاب کارل پوپر را دست من دیدند و ملازمتم کردند که این نظریه‌پرداز سبیا و اینتلیجنست سرویس است. البته بعضی‌ها بعد از انقلاب پوپری شدند. ولی من چون قبلاً خوانده بودم و دیدگاه انقلابی و ایران دوستی را از دکتر ندوشن یاد گرفته بودم، تغییر موضع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.

موضوع ندادم.